



داوود محمدی، سردبیر سابق روزنامه ایران:

«ایران» فقط ارگان دولت نیست

مهرآه خوارزمی

داوود محمدی سردبیری «ایران» را از اسفند ۱۳۹۴ تا اسفند ماه سال ۱۳۹۶ بر عهده داشت. دو سال پایانی دولت اول روحانی که روزنامه ایران محل طرح دیدگاه‌های انتقادی و رویکردهای سیاسی اجتماعی مختلف بود. در سی سالگی «ایران» با او گفت‌وگو کردیم تا از تجربه‌اش برای تبدیل «ایران» به پل ارتباطی دولت و مردم بگوید.

از دولت شکل خواهد گرفت. اکنون، سال‌هاست که آن فضا تغییر کرده است. تعداد زیاد خبرگزاری‌ها و سایت‌های خبری و در کنار آن، تعداد بسیار زیادی کانال و گروه در شبکه‌های اجتماعی فعال هستند که باعث شده دوران تک صدایی و یکه‌تازی چند روزنامه رسمی به پایان برسد. ولی متأسفانه، ذهن معدودی از مسئولان اما متناسب با این تغییر فضای رسانه‌ای، اصلاح نشده است. هنوز بودند و هستند کسانی که فکرمی کنند صفحات روزنامه دولت باید یکسره حاوی تعریف و تمجید از دولت باشند؛ فعالیت‌های کابینه را به روا و ناروا برجسته کنند و به انتقادهای نسبت به دولت بهایی ندهند. البته در خود رسانه‌های دولتی و ارگان‌های رسانه‌ای حاکمیتی هم همیشه هستند همکارانی که فارغ از بحث آزردهنده سانسور، دچار نوعی خودسانسوری هم هستند و از نوشتن مطالب انتقادی که ممکن است پیامدهای منفی داشته باشد، اجتناب می‌کنند.

◀ شما سابقه سردبیری در روزنامه‌های مستقل متعددی را داشتید، از جمله سرمایه و بهار و نهایتاً هم از روزنامه شرق، به «ایران» آمدید و بعد از مدتی هم به سردبیری آن منصوب شدید. روزنامه ارگان دولت بودن چه فرصت‌ها و محدودیت‌هایی در جریان سردبیری‌تان ایجاد کرد؟

◀ شما در دوره مسئولیت خود در «ایران» با این چالش‌ها چطور مواجه می‌شدید؟

ارگان دولت بودن «ایران» مسلماً بدون مزیت نیست و حتی مزایای متعددی دارد. بر خلاف رسانه‌های مستقل که برای شناخته شدن، آگهی گرفتن و پوشش هزینه‌های انتشار، راه دراز و دشواری در پیش دارند؛ حمایت بودجه‌ای دولت از روزنامه ایران، سبب شده این روزنامه، بویژه در سال‌های اخیر که چالش‌های مالی، به تهدیدی جدی علیه رسانه‌ها تبدیل شده و علت تعطیلی برخی از آنها بوده، با چالش مالی جدی و ماندگار، کمتری مواجه شود و از گرداب ناهمخوانی دخل و خرج، جان سالم به‌در برد. بر همین اساس، اعضای تحریریه روزنامه هم امنیت شغلی بالاتری داشته‌اند و از تعدیل‌ها و کاهش نیروهای اجباری و پی‌درپی مصون بوده‌اند. با همه این مزایا، ارگان دولت بودن می‌تواند محدودیت‌هایی را هم برای روزنامه ایجاد کند. البته اینکه انتظار می‌رود، «ایران» در چهارچوب اهداف دولت فعالیت کند، مطالبه‌ای غیرطبیعی نیست اما مشکل از آنجا شروع می‌شود که برخی مقامات و مدیران، از واقعیات حاکم بر رسانه‌ها آگاه نیستند یا این واقعیات را نادیده می‌گیرند. در دهه‌های گذشته تعداد روزنامه‌ها محدود بودند و همگی آنها هم در زمره رسانه‌های رسمی بودند و مردم هم از درجه همین رسانه‌ها از وقایع با خبر می‌شدند. در نتیجه این انحصار رسانه‌ای، روزنامه‌های دولتی / حاکمیتی، تأثیر بسیار زیادی در شکل‌دهی افکار عمومی داشتند. در نتیجه، این ذهنیت ایجاد شده بود که اگر دولت به صورت مثبت تبلیغ شود، در افکار عمومی هم تصویر مثبت و کارآمدی

من از روزنامه‌های بخش خصوصی به «ایران» آمده بودم. در همان مذاکرات اولیه با مدیران وقت روزنامه، تأکید کردم که از نگاه من، این روزنامه صرفاً روزنامه دولت نیست. زیرا روزنامه ایران، از همان ابتدای راه‌اندازی، بنا بوده که پل ارتباطی دولت و مردم باشد. یعنی نباید مطالبش فقط دولت‌محور باشد، بلکه باید مسائل مردم را به دولتمردان منتقل و در مقابل فعالیت‌ها و دیدگاه‌های دولت را برای مردم تشریح کند. مدیران وقت روزنامه هم موافق چنین دیدگاهی بودند و قرار شد که این رویکرد، مبنای فعالیت «ایران» باشد. در مدتی که سردبیر بودم، سعی کردم با همین ستاره راهنما پیش بروم. البته قابل انکار نیست که همیشه، یک پای روزنامه ایران، ورود خواسته و ناخواسته به چالش‌های سیاسی است. زیرا دولت‌ها همیشه رقاباتی دارند و روزنامه ایران هم سعی می‌کند با پاسخ دهی به رقبا، دیدگاه‌های دولت را بازتاب بدهد. اما ما سعی می‌کردیم که موازی با این مسئولیت، تا حد امکان دیدگاه‌های مردم و مشکلات‌شان را برجسته و پیگیری کنیم و حتی تعداد قابل توجهی از تیترهای صفحه اول را به این موارد اختصاص دهیم تا هم دولتی‌ها و هم افکار عمومی از این چالش‌ها آگاه شوند. بر همین اساس، سرویس گزارش و سرویس اجتماعی روزنامه جدی‌تر گرفته شدند و گزارش‌های میدانی خوبی هم، از شهرستان‌ها و از مسائل و مشکلات مردم مناطق مختلف بازتاب دادند.